احتمال خروج تعزیه از فهرست جهانی یونسکو

در صورت ادامه بی‌توجهی به آیین نمایشی تعزیه در کشور، احتمال خروج این اثر ناملموس معنوی از فهرست جهانی یونسکو وجود دارد.

داوود فتحعلی‌بیگی رئیس هیئت مدیره انجمن تعزیه ایرانیان با اعلام این موضوع گفت: براساس قوانین یونسکو، هر اثر پس از ثبت جهانی درصورت عدم حفظ و نگهداری و قرار داشتن در معرض آسیب، از فهرست این سازمان خارج خواهد شد. وی اظهار داشت: دولت موظف است از میراث معنوی و آیینی با سرمایه‌گذاری لازم محافظت و علاوه بر کمک به اجرای مداوم آن، آثار و اسناد مربوط به آن را جمع‌آوری و برای استفاده همگان منتشر کند. وی گفت: امروز فقط براساس جوشش‌های فردی و علاقه‌های شخصی در کشور مجالس تعزیه و شبیه‌خوانی برگزار می‌شود. این پژوهشگر عرصه تئاتر آیینی سنتی کشور افزود: فقط در روزهای خاصی در ماه‌های عزاداری، مجالس تعزیه و شبیه‌خوانی برگزار می‌شود و در بقیه روزهای سال آن را به فراموشی می‌سپاریم. فتحعلی‌بیگی ادامه داد: ۵۰۰ عنوان مستقل تعزیه و نسخه‌خوانی در کشور وجود دارد که برای اجرای تمام آنها با کمبود وقت مواجه می‌شویم. نویسنده، پژوهشگر، مدرس و کارگردان تئاتر تأکید کرد: برای مقابله با تهدیدات از بین رفتن آیین‌های نمایشی سنتی و مذهبی در کشور باید رشته مجزای تعزیه در دانشگاه‌ها ایجاد شود. فتحعلی‌بیگی افزود: در دانشکده‌های سینما و تئاتر کشور هیچگاه از تجربیات پیشکسوتان تعزیه درمورد آداب، وسایل مورد نیاز و چگونگی اجرا استفاده نمی‌شود. رئیس هیئت مدیره انجمن تعزیه ایرانیان خاطرنشان کرد: اکنون بیش از سه هزار تعزیه‌خوان عضو این انجمن هستند و هنوز افراد زیادی در کشور برای عضویت اقدام نکرده‌اند. هنر نمایشی و مذهبی تعزیه درحالی در ۳۰ آبان سال ۱۳۸۹ به نام ایران به ثبت جهانی رسید که کشور ترکیه نیز متقاضی ثبت جهانی این هنر آیینی مذهبی به نام خود بود.

سالن‌های سینما از عوارض معافند

رئیس شورای اسلامی شهر تهران تأکید کرد سینماداران می‌توانند به اندازه سطح سالن سینمای خود فضای تجاری دریافت کنند، اما نمی‌توانند کاربری سالن سینما را تجاری کنند.

مهدی چمران رئیس شورای شهر تهران در پاسخ به پرسشی که آیا این امکان وجود دارد که برای سینماهای تعطیل و تخریب‌شده امکان کاربری تجاری در نظر گرفته شود؟ گفت: چنین امکانی وجود ندارد که یک فضا که کاربری فرهنگی - هنری دارد، تبدیل به فضایی با کاربری تجاری شود. ملک تجاری شرایط خاص خود را دارد و ملک فرهنگی و هنری نیز شرایط خاص خود را دارد. به عنوان مثال هیچ گاه در یک موقعیت تجاری، نمی‌توان محیط فرهنگی و هنری ایجاد کرد. وی ادامه داد: شورای اسلامی شهر تهران پیش از این تصمیم گرفته بود به میزان مساحت مکان فرهنگی و هنری به صاحبان سالن‌های سینما یا دیگر فضاهای فرهنگی و هنری، زمین تجاری داده شود تا فعالیت در حوزه فرهنگ و هنر برای آنها به‌صرفه شود. در چنین شرایطی سالن‌دار می‌تواند به اندازه سطح سینما فضای تجاری داشته باشد. چمران درباره میزان عوارضی که شهرداری از سینماها می‌گیرد نیز بیان کرد: در حال حاضر تنها برای ملک‌های تجاری عوارض گرفته می‌شود و برای سالن‌های سینمایی که موقعیت تجاری هم دارند، عوارض دریافت نمی‌شود. وی اضافه کرد: ما برای فضای مساجد نیز اعلام کرده‌ایم که می‌توانند ۲۰۰ متر فضای تجاری داشته باشند و در کنار آن می‌توانند ۲۰۰ متر در مکان دیگری فضای تجاری به صورت وقف داشته باشند؛ یعنی یک فضای ۲۰۰ متری در جای دیگری که برای مسجد سودآوری اقتصادی داشته باشد و خرج مسجد را تأمین کند. برادر شهید چمران در پایان صحبت‌هایش درباره همکاری خود با گروه سازنده سریال شهید چمران نیز گفت: تا چند هفته پیش جلسه‌هایی با جلیل سامان کارگردان این مجموعه داشتیم ولی مدتی است به دلیل مشغولیت‌های کاری نتوانستم در این جلسات حضور داشته باشم که از همین جا به جلیل سامان قول می‌دهم در روزهای آینده جلسات مورد نظر برگزار شود.

کاخ «صاحبقرانیه» ترک برداشت

ضلع شمالی تالار آیینه کاخ «صاحبقرانیه» که دارای آیینه‌کاری‌های ویژه‌ای است، از چند روز گذشته ترک‌های بزرگی برداشته است.

با توجه به اتفاقاتی که از چند سال گذشته برای سازه کاخ صاحبقرانیه در مجموعه فرهنگی تاریخی نیاوران رخ داده است، به نظر می‌رسد یکی از دلایل این اتفاق ورود حجم زیاد گردشگر به این بنای تاریخی باشد. از جمله اتفاقاتی که می‌توان اشاره کرد، ترک برداشتن چهار سال قبل سقف حوض‌خانه کاخ صاحبقرانیه است. همچنین اواسط تیرماه سال گذشته یکی از لوسترهای «کاخ صاحبقرانیه» سقوط کرد. در آن زمان معصومه باکوچی - رئیس وقت مجموعه نیاوران - درباره این اتفاق اعلام کرد، بنای «کاخ صاحبقرانیه» بیش از ۱۵۰ سال قدمت دارد و طبیعی است رفته رفته استحکام خود را از دست بدهد. بنابراین استقامت نداشتن سقف و ریخته شدن بخشی از آن باعث شد تا این لوستر تاریخی از محل کنده شده و به زمین اصابت کند. کاخ «صاحبقرانیه» سال ۷۷ برای بازدید مردم باز شد. از آن موقع تا سال ۱۳۷۹ سه روز در هفته و روزی ۳۰۰ نفر بازدیدکننده به این کاخ رفت‌وآمد می‌کردند، اما سال ۸۱ این آمار ۳۰۰ نفری بازدیدکنندگان برای هر روز ثبت شد و پس از مدتی هم تعداد بازدیدکنندگان به ۵۰۰ نفر رسید. این رقم مدتی بعد با برداشتن محدودیت تعداد بازدیدکنندگان، گاهی به ۶ هزار نفر نیز می‌رسد. ساختمان کاخ صاحبقرانیه مانند دیگر بناهای قرار گرفته در مجموعه فرهنگی تاریخی نیاوران قدمت و تزئینات زیادی دارد، اما با توجه به کاربری‌ای که در گذشته برای این ساختمان در نظر گرفته شده بود، به نظر می‌رسد هیچ گاه آن را برای این حجم بازدیدکننده نساخته‌اند. البته نباید حضور گروه‌های فیلمبرداری در طول سال‌های مختلف در کاخ صاحبقرانیه را فراموش کرد. آنها با تجهیزات سنگین فیلمبرداری می‌توانند عاملی برای ایجاد ترک‌هایی که در سال‌های گذشته و هفته اخیر به این بنای تاریخی وارد شده است، باشند. در حال حاضر کاخ «صاحبقرانیه» به روی گردشگران باز است و حضور آنها در این بنا مشکلی ندارد.

چرا اکران فیلم پرحاشیه به یک مسئله حیثیتی برای وزارت ارشاد تبدیل شده است؟

اکران «عصبانی نیستم» آغازگر تولید فیلم‌های حامی فتنه

مهدی آذرپندار

ماجرا از آذر ۹۲ آغاز شد. وقتی خانم «آنکه لویکه» نماینده مشهور رئیس جشنواره برلین برای انتخاب فیلم‌های ایرانی به سیاق سال‌های گذشته وارد ایران شد و البته این بار به مدد فضای تسامح و تساهل دولت یازدهم، با دست بازتر به تماشای آثار ایرانی نشست تا نزدیک‌ترین این آثار به تفکر جشنواره خرس‌نشان را برای نمایش در فستیوال برلین انتخاب کند و در نهایت، در یکی از پرترافیک‌ترین و شلوغ‌ترین سال‌های سینمای ایران به جهت حضور کارگردانان مطرح و فیلم‌های مهم، فیلم دوم یکی از کارگردانان جوان را برای نمایش در یکی از بخش‌های جنبی برلین برگزید. یک فیلم سیاسی به نام «عصبانی نیستم». البته قصه «عصبانی نیستم» کمی پیش از اینها کلید خورده بود. زمانی که کارگردان جوان این فیلم پس از ساخت فیلم «بغض» چندان موفقیتی کسب نکرد و از همین رو، تلاش نمود تا با استفاده از نمادهای سبز در پوستر فیلم خود، با وجود عدم ارتباط مضمونی، برای اثر خسته‌کننده و ملال‌آورش جاذبه‌ای فرامتنی ایجاد کند. اما این روش هم جواب نداد و «بغض» دیده نشد. بنابراین، او ناگهان با تشکیل دولت یازدهم وسوسه شد تا به ماجرای ۸۸ سرک بکشد؛ شاید که این بار کارش دیده شود. بنابراین در نخستین گام، فیلمنامه‌ای خنثی و اجتماعی به وزارت ارشاد دولت دهم تحویل داد و در آخرین روزهای کاری مسئولان سازمان سینمایی دولت گذشته با اصلاحاتی پروانه ساخت فیلمش را دریافت کرد، اما در عمل، طی پروسه تولید، با تغییر صد در صدی فیلمنامه، فیلمی سیاسی در حمایت از فتنه ۸۸ ساخت و حوالی آذر ماه، نسخه نخست فیلمش را برای نماینده سفارت خرس‌نشان به نمایش گذاشت؛ شاید که این بار، بر خلاف دفعات دیگر، بذل توجهی عاید خود و فیلمش شود؛ که شد. «آنکه لویکه» کهنه‌کار، روایت او را از «ایران» پسندید. سرزمینی که مردمانش برای امرار معاش نه یک کلیه، که هر دو کلیه خود را می‌فروشند، سرزمینی که همه از هم می‌دزدند، ریشوهای طالبان‌مآب حق سایر مردم را پایمال می‌کنند و البته جوانانش یا در دانشگاه به خاک و خون کشیده شده‌اند یا در زندانند یا ول معطل و در پی دریافت مجوز!

فیلم «آنکه لویکه» را گرفت و او میان آن همه فیلم، «عصبانی نیستم» را پسندید. با همان سکانس مشهور اعدامش در ملأ عام، با همان سکانس صریحش درباره «ندا آقاسلطان» و فاتحه‌خوانی بر سر مزار او در خیابان، با همان دیالوگ صریح ستاره (باران کوثری) خطاب به نوید (نوید محمدزاده) که وقتی از مهاجرت حرف می‌زند، پاسخ می‌گیرد: «چرا ما بریم، اینا (حکومت) برن...»، با همان سکانس دانشگاه که «نوید» جمهوری اسلامی را با حکومت امیرالمؤمنین مقایسه می‌کند و می‌گوید: «علی در حکومتش زندانی سیاسی نداشت....».

اما با وجود همه این ویژگی‌های مثبت، «عصبانی نیستم» یک ایراد اساسی هم داشت. «فیلم» نبود. «بیانیه» بود و فیلمساز حرفش را به گل‌درشت‌ترین حالت ممکن بیان کرده بود. بنابراین، فیلم در بخش رقابتی جشنواره «برلین» پذیرفته نشد و در بخش غیررقابتی «پانوراما» به نمایش درآمد.

در همین روزها، کم کم زمزمه‌هایی مبنی بر حمایت فیلم از فتنه در رسانه‌ها شکل گرفت؛ اما از آنجا که فیلم دیده نشده بود، نمی‌شد پیرامون آن قضاوت کرد. با این وجود، رایزنی‌ها آغاز شد و نگرانی از فیلم به مسئولان سازمان سینمایی منتقل گردید. در مقابل، مسئولان سازمان سینمایی هم قول دادند و گفتند که فیلم در حال اصلاح است و «عصبانی نیستم» از یک فیلم سیاسی به یک فیلم اجتماعی تبدیل شده است. بنابراین با این پاسخ، موقتاً غائله پایان یافت و همه چیز به نمایش فیلم موکول شد. هر چند که اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس، برای اتمام حجت، هشدارهای لازم را به صورت رسانه‌ای و غیررسانه‌ای به اطلاع وزارت ارشاد رساندند.

اما در نخستین اکران فیلم در جشنواره سی و دوم فجر، عیار صداقت مسئولان سازمان سینمایی مشخص شد؛ چراکه فقط پایان فیلم «عصبانی نیستم» (سکانس اعدام) اصلاح شده بود و ۹۰ درصد ارجاعات آن به فتنه، هنوز باقی مانده بود. از کتک زدن بسیجی روی پرده گرفته تا رنگ سبز پاشیدن به ماشین استادی که او را «دکتر قلابی» می‌خوانند و کات زدن تصویر تراکت‌های فروش کلیه به عکس مقام معظم رهبری و شعار اقتصادی سال ۹۲. و اینها تنها بخشی از موارد سیاسی فیلمی بود که به زعم مسئولان سازمان سینمایی، به یک فیلم اجتماعی تبدیل شده بود.

با عیان شدن موضع وزارت ارشاد به عنوان حامی قسم خورده «عصبانی نیستم»، اعتراضات قانونی جدی‌تر شد. چنانکه کمیسیون فرهنگی مجلس وارد گود شده و به اکران فیلم‌های حامی فتنه روی پرده سینمای ایران اعتراض کرد. نتیجه آنکه بالاخره قانون بر بی‌قانونی پیروز شد و فیلمی که هیچ یک از فاکتورهای قانونی را در فرآیند ساخت و اکران رعایت نکرده بود، با اعلام رضایت کارگردان فیلم از داوری در بخش رقابتی جشنواره بیرون کشیده شد و با وجود نامزدی در پنج رشته، نتوانست سیمرغی در اختتامیه دریافت کند. اما این اعلام رضایت، رایگان صورت نگرفته بود. چنانکه تشکرهای پی‌درپی «ایوبی» از کارگردان این فیلم در هر تریبون علنی و غیرعلنی و اتفاقات بعدی در ماه‌های آینده، ماهیت برخی از این توافقات پشت پرده را آشکار ساخت.

> **«عصبانی نیستم» در یک دهان کجی آشکار به قانون و البته به وزارت ارشاد، حتی همان اصلاحات مصوب حداقلی را هم در نسخه ارسالی به جشنواره برلین رعایت نکرد تا کارگردان و بازیگران فیلم شاید با طراحی لباس خاص‌شان روی فرش قرمز برلین، از کلیه‌فروشی مردم ایران به نان و نوایی برسند**

اما این پایان کار نبود. «عصبانی نیستم» در یک دهان کجی آشکار به قانون و البته به وزارت ارشاد، حتی همان اصلاحات مصوب حداقلی را هم در نسخه ارسالی به جشنواره برلین رعایت نکرد و با نسخه کامل روی پرده کشور خرس‌نشان رفت تا کارگردان و بازیگران فیلم شاید با طراحی لباس خاص‌شان روی فرش قرمز برلین، از کلیه‌فروشی مردم ایران به نان و نوایی برسند، از نداری یک جوان بگویند و با یوروهای ژرمن‌ها، دارا شوند، از جهنم ایران بگویند که شاید چند روزی بیشتر مهمان «بهشت» مفروضش در آلمان شوند؛ و چه تجارت کثیفی است تجارت «وطن‌فروشی» و «حراج آبروی مردم نزد بیگانه!»

حالا این روزها، خبر می‌رسد وزارت ارشاد قصد طغیان در برابر نهادهای قانونی از جمله مجلس و قوه قضائیه را دارد و حتی با وجود اعلام حوزه هنری، شهرداری تهران و بنیاد مستضعفان مبنی بر عدم تخصیص سینما به «عصبانی نیستم» در صورت اکران، می‌خواهد به هر نحو ممکن، این فیلم را به نمایش عمومی درآورد. گزاره‌ای که نشان می‌دهد اکران «عصبانی نیستم» به یک امر حیثیتی برای وزارت ارشاد تبدیل شده است.

واقعیت این است که «ایوبی» و مردان سازمان سینمایی، در آزمون صداقت‌سنجی سینماگران نمی‌خواهند بازنده باشند. آنان به شبه‌روشنفکران سینمای ایران «قول» داده‌اند و باید پای «قول» خود بایستند. آنان خود را نزد طیف خاصی از سینماگران به واسطه قول‌های رئیس‌جمهور در مناظره‌های انتخاباتی مسئول می‌دانند و نمی‌توانند وعده «فضای باز» خود را به سینماگران فراموش کنند.

شبه‌روشنفکران بر خلاف ادعاهای گاه به گاه خویش مبنی بر «مهاجرت در صورت توقیف فیلم‌های خود» و «فروختن حق پخش فیلم‌شان به بی‌بی‌سی فارسی» و «هیچ فیلمی در کمد نخواهد ماند»، خوب می‌دانند «اکران» در جمهوری اسلامی یعنی چه. اکران در «جمهوری اسلامی» یعنی گرفتن مجوز پخش یک فیلم در قطارهای مسافربری هنگامی که خانواده‌ای مشغول سفر زیارتی به مشهد هستند؛ یعنی دریافت مجوز پخش یک فیلم در اتوبوس در مسیر «اسالم-خلخال» و «زابل به زاهدان.» یعنی فروش فیلم حامی فتنه کنار نیاز یومیه مردم در سوپرمارکت‌ها. یعنی دیده شدن میلیونی. چرا آنها باید این امکان را از دست دهند؟

اکران «عصبانی نیستم» قرار است آغازگر اکران موج فیلم‌های حامی فتنه باشد. شک نباید کرد که اکران «عصبانی نیستم» منجر به سیل تولیدات مرتبط با فتنه ۸۸ خواهد شد. چنانکه این سیل در خارج از کشور با تولید سه اثر در یک سال، («گلاب»، «رز سرخ» و «رقصنده بیابان») آغاز شده است و با اکران «عصبانی نیستم» در داخل ایران نیز ادامه خواهد یافت. چنانکه در سال ۷۸ این اتفاق افتاد و منجر به تولید جریانی از فیلم‌های مرتبط با وقایع ۱۸ تیر ۷۸ (از جمله «اعتراض»، «مرد بارانی»، «نسل سوخته»، «متولد ماه مهر» و...) گردید.

با این توصیفات، اینکه «ایوبی» چه تصمیمی می‌گیرد، فرع ماجراست. «ایوبی» در کشاکش «قول»هایی که داده گیر کرده است. او روزهای سختی را می‌گذراند. استاد سابق دانشگاه امام صادق (ع)، باید میان «اصول» و «خط قرمز»ها و رضایت سینماگران «شبه‌روشنفکر» یکی را انتخاب کند. سرنوشت «شمقدری» و «سیف‌الله داد» هم پیش روی اوست. مدیرانی که با ژست «فضای باز فرهنگی» آمدند و نتوانستند پای همه هزینه‌های این «ژست»، ایستادگی کنند. از یک طرف «راه طی شده» در برابر اوست و از طرف دیگر سینماگرانی که تهدید کرده‌اند در صورت عدم وفای به عهد «ایوبی»، راهی خارج شده و آثارشان را برای پخش از برنامه «آپارات» به «بی‌بی‌سی» فارسی خواهند فروخت و همه جا از «ایوبی» در رسانه‌ها انتقاد خواهند کرد. در نتیجه، راستش را بخواهید ماجرا برای رئیس سازمان سینمایی و استاد سابق دانشگاه امام صادق (ع)، «حیثیتی» شده است.

اصل ماجرا، اما کمی دورتر از سازمان سینمایی و اتاق کار «ایوبی» رقم می‌خورد. آنجا که عده‌ای برای آرامش فضا، تن به اکران نسخه‌های ظاهراً اصلاح شده می‌دهند و تصور می‌کنند که ماجرا تمام شده است. در حالی که «عصبانی نیستم» در صورت اکران، در سینمای ایران تکثیر خواهد شد. این یک پیشگویی نیست؛ این گزاره نتیجه رصد یک «راه طی شده» است. آیا سینمای ایران دوباره این راه طی شده را خواهد پیمود؟

توقف یک نمایش با دستور قوه قضائیه

اجرای نمایش «شاخ نبات» به کارگردانی مهدی شمسایی که در تالار وحدت تهران روی صحنه بود، چهارشنبه ۳۰ مهرماه، با دستور قوه قضائیه و با اعلام مرکز هنرهای نمایشی متوقف شد.

«شاخ نبات» که یک اپرا تئاتر برگرفته از داستان «موش و گربه» نوشته عبید زاکانی است، از چهارم مهرماه روی صحنه رفته بود. این نمایش با همین متن و بدون هیچگونه تغییری در دولت قبلی و در سال ۸۹ اجرا شده بود. مهدی شمسایی کارگردان نمایش «شاخ نبات» در گفت‌وگویی با اشاره به چالشی یک ماهه با وزارت ارشاد بر سر اجرای این نمایش اعلام کرده است: «از همان ابتدای اجرا، نکاتی از سوی اداره کل هنرهای نمایشی به ما گفته می‌شد که آنها را در طول اجرا اعمال می‌کردیم ولی با وجود اینکه هر آنچه آنها گفتند مدنظر قرار دادیم، در نهایت و پس از ۲۶ شب، نمایش را توقیف کردند.» کارگردان این نمایش با بیان اینکه برای دفاع از کارش به قوه قضائیه خواهد رفت، معتقد است که وزارت ارشاد و اداره کل هنرهای نمایشی باید از طریق کارشناسان حقوقی مسائلی از این دست را پیگیری کرده و اجازه ندهند که کار به توقیف نمایش‌ها منتهی شود. مهدی شمسایی با اعلام اینکه اگر نمایشی مشکل دارد، چرا به آن مجوز داده می‌شود، گفته است: «اگر کاری مشکل دارد از همان اول مجوز نگیرد تا دیگر سرمایه و وقت یک گروه به باد نرود. من از وزارت ارشاد انتظار دارم که یا مجوز ندهد یا از مجوزهایش دفاع کند.» از سوی دیگر رئیس شورای ارزشیابی و نظارت اداره کل هنرهای نمایشی در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر، درباره مشکلات نمایش «شاخ نبات» اعلام کرده است: «این نمایش از همان شب‌های اول اجرا مشکل داشت و ما بارها نکاتی را تذکر داده و خواستار رعایت آنها شدیم. کارگردان نیز متعهد شد که همه نکات را رعایت کند ولی در گزارش‌ها و بازبینی‌های بعدی، متوجه شدیم که برخی مشکلات رفع نشده است.» به گفته رضا دادویی، هفته گذشته از سوی قوه قضائیه نامه‌ای به مرکز هنرهای نمایشی رسیده است و نکاتی در آن مطرح شده که در صورت عملی نشدن آنها، باید جلوی اجرای نمایش «شاخ نبات» گرفته شود. چند ماه پیش اجرای نمایش «تانگوی تخم مرغ داغ» به کارگردانی هادی مرزبان نیز برای مدتی توسط قوه قضائیه توقیف شده بود.

قطع برنامه‌های طنز «نسیم» در ایام محرم

شبکه تلویزیونی نشاط و سرگرمی؛ نسیم، در ایام سوگواری حضرت ابا عبدالله‌الحسین(ع) پخش برنامه‌های طنز و کمدی را متوقف خواهد کرد.

پخش برنامه‌های «شکرآباد»، «هاونگ»، «مهمونی» و «شب کوک» تا پانزدهم ماه محرم قطع خواهد شد و برنامه «خندوانه» نیز در طول ماه محرم پخش نخواهد شد. بر اساس این گزارش اوج تغییرات جدول پخش این شبکه از هفتم تا سیزدهم ماه محرم خواهد بود که هیچ برنامه‌ای با موسیقی شاد و محتوای طنز روی آنتن نخواهد رفت. در ایام ماه محرم شبکه نسیم تلاش خواهد کرد برنامه‌هایی با رویکرد سرگرمی را برای پخش آماده کند از جمله این برنامه‌ها می‌توان به «دیدنی‌ها»، «نسیم نما»، «نسیم یادها» و «نسیم آفرینش» اشاره کرد.

سعدی و سروانتس در مادرید دیدار می‌کنند

همایش سروانتس و سعدی روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه ۶ و ۷ آبان با حضور محققان و استادانی از ایران و اسپانیا در دانشگاه کمپلوتنسه مادرید برگزار می‌شود.

به گزارش مهر، علی‌اصغر محمدخانی معاون بین‌الملل و فرهنگی شهر کتاب درباره این همایش گفت که در اول اردیبهشت سال جاری و همزمان با روز بزرگداشت سعدی، این همایش در دو روز در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد و قرار شد ادامه این همایش در آبان ماه در دانشگاه کمپلوتنسه مادرید برگزار شود. وی افزود: این همایش به همت مرکز فرهنگی و بین‌الملل شهر کتاب، مرکز سعدی‌شناسی، رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در اسپانیا و دانشگاه کمپلوتنسه برگزار می‌شود و ۱۱ نفر از محققان دو کشور درباره سعدی و سروانتس سخن می‌گویند.

دختران ۱۷ساله جایزه ویژه می‌گیرند

مسابقات «کتاب و زندگی» با «من زنده‌ام» کلید خورد

خیلی پیش آمده که کتاب خوبی خوانده‌ایم و بعد آن را برای خواندن به دوستانمان پیشنهاد داده‌ایم. اما برخی کتاب‌ها آنقدر خوب هستند که حیفمان می‌آید بقیه را در لذت خواندنش سهیم نکنیم. این کتاب‌ها آنقدر دلنشین و جذابند که دوست داریم هر جوری شده آن را به دست بهترین افراد زندگی‌مان برسانیم و به آنها بگوییم: «اگه نخونی مطمئن باش از دستت رفته!»

«من زنده‌ام» هم چنین کتابی است. این کتاب آنقدر خوب است که آدم حیفش می‌آید بگوید حتی یک ایرانی باشد که آن را نخوانده یا حتی اسمش را نشنیده باشد. ماجرای هزار و یک شب اسارت یک دختر ۱۷ ساله ایرانی در دست بعثی‌ها چیزی نیست که چنین ظرفیتی نداشته باشد. این کتاب را «معصومه آباد» نوشته است. کسی که اگرچه این روزها پزشک است و عضو شورای اسلامی شهر تهران اما وقتی توسط سربازان عراقی اسیر شد، تنها ۱۷ سال داشت و اصلاً فکر نمی‌کرد وقتی دارد از یک مأموریت داوطلبانه انتقال بچه‌های بی‌سرپرست، به خوزستان برمی‌گردد، در محاصره عراقی‌ها افتاده باشد. شرح دلاوری‌ها و صبوری‌های او و چند دختر دیگر دربند، بعد از ربع قرن شده است کتابی که رهبر معظم انقلاب در حاشیه آن نوشتند: «کتاب را با احساس دوگانه اندوه و افتخار و گاه از پشت پرده اشک، خواندم و بر آن صبر و همت و پاکی و صفا، و بر این هنرمندی در مجسم کردن زیبایی‌ها و زشتی‌ها و رنج‌ها و شادی‌ها آفرین گفتم. گنجینه یادها و خاطره‌های مجاهدان و آزادگان، ذخیره عظیم و ارزشمندی است که تاریخ را پربار و درس‌ها و آموختنی‌ها را پرشمار می‌کند. خدمت بزرگی است آنها را از ذهن‌ها و حافظه‌ها بیرون کشیدن و به قلم و هنر و نمایش سپردن.»

تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب

حالا با برگزاری اولین دوره مسابقه کتاب و زندگی، شرایطی مهیا شده است تا ایرانی‌های بیشتری این کتاب را بخوانند و پا به پای روایت اسارت آن دختر ۱۷ ساله اشک بریزند و البته از داشتن چنین تاریخ پرحماسه‌ای به خود ببالند. علاقه‌مندان این مسابقه که از اول محرم (۴ آبان‌ماه ۱۳۹۳) آغاز شده و تا اربعین حسینی (۲۲ آذرماه) ادامه دارد، می‌توانند این کتاب را به همراه پرسش‌نامه از کتابفروشی‌ها و فروشگاه‌های محصولات فرهنگی سراسر کشور، دفاتر نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفاتر انجمن اسلامی دانش‌آموزان، یا از طریق ارسال عدد ۱ به سامانه ۱۰۰۰۱۶۶۱ یا تماس با تلفن ۶۳۴۸۷ تهیه نمایند. افرادی که این کتاب را پیش از این تهیه کرده‌اند نیز می‌توانند با مراجعه به سایت www.ketabzendegi.ir پرسش‌نامه را دریافت نمایند. به برندگان این مسابقه، ۵۰ سفر عتبات عالیات، ۵۰ سفر به مشهد مقدس، ۱۰۰ سکه بهار آزادی و... اهدا خواهد شد که ارزش مجموع این جوایز به بیش از یک میلیارد ریال خواهد رسید. علاوه بر همه اینها دخترانی که این روزها هم سن آن روزهای نویسنده کتاب - یعنی ۱۷ ساله - باشند در صورت شرکت در مسابقه هم از شانس برنده شدن جوایزی که خانم معصومه آباد خودش تقبل کرده است برخوردار خواهند بود.